

فرهنگ روس

ویژه نامه تحولات قفقاز

شماره ۳۱ - خرداد ۱۳۸۹

رایزنی فرهنگی سفارت

ج.ا. ایران در روسیه



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرہنگ روس

ویژہ نامہ تحولات قفقاز

فرهنگ روس : شماره ۳۱ ، خرداد ۱۳۸۹

ویژه نامه تحولات قفقاز

نشریه فارسی رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا. ایران در روسیه

مدیر مسوول و سردبیر : ابوذر ابراهیمی ترکمان

گردآورنده: سروش محمدی فارسانی

صفحه بندی و گرافیک : امین امینیان

نشانی : مسکو، ۱۱۷۰۴۹، خیابان کارووی وال، شماره ۷، ورودی ۱آ،

ساختمان رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران

تلفن : ۲۳۷۰۰۱

نمابر : ۲۳۰۲۵۶۲

پست الکترونیکی : ccir@list.ru

نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

مطالب مندرج در نشریه فرهنگ روس لزوما دیدگاه های رسمی رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا. ایران نمی باشد و مسئولیت کلیه ی مطالب ذکر شده در مقالات بر عهده ی نویسنده مقاله است.

فهرست

۱	پیش گفتار.....
۵	فصل اول: اسلام.....
۵	اسلام در شمال قفقاز
۱۴	اتحاد مسلمانان روسیه
۱۹	فصل دوم: سیاست.....
۱۹	کرم‌لین و ریاست جمهوری داغستان
۲۵	رئیس جدید جمهوری داغستان
۳۱	بازگشت تروریسم سیاسی به روسیه
۳۴	تروریست ها و انتخابات داغستان
۴۰	تامین امنیت داغستان
۴۲	داکو عمروف ، به عنوان دشمن درجه یک روسیه.....
۴۵	فصل سوم: اقتصاد.....
۴۵	اوضاع اقتصادی داغستان
۵۱	راهکار مساله شمال قفقاز

پیش‌گفتار

قفقاز از واژه قبیق (قَبیح یا قَبیح) دوران اسلامی گرفته شده است که خود آن نیز از واژه ((کاپ کوه)) فارسی میانه (پهلوی ساسانی) ماخوذ است. در شاهنامه فردوسی به نام کوه قاف آمده است. قفقاز در اصطلاح جغرافیایی نام رشته کوه‌هایی است که از شبه‌جزیره آنپا در شرق دریای سیاه تا شبه‌جزیره آب شوران در غرب دریای خزر به طول ۱۱۰۰ کیلومتر از شمال شرقی به جنوب غربی امتداد دارد و بلندترین قله آن کوه البروس به ارتفاع ۵۶۳۳ متر است. قفقاز دامنه‌های شمالی و جنوبی را در بر می‌گیرد، مساحت آن در حدود ۱۵۴۲۵۰ متر مربع و جمعیت آن بالغ بر ۱۴۴۱۰۰۰۰ نفر است و شامل کشورهای نوبنیاد ارمنستان، گرجستان، آذربایجان (اران و شروان) و جمهوری خودمختار داغستان می‌باشد. سرزمین قفقاز از دیرباز گذرگاه و زیست‌گاه مردمان ایرانی سکایی، سمرتی و آلانی بوده است که در کنار بومیان این سرزمین (عمدتاً گرجی‌ها و چرکس‌ها) می‌زیستند و بازماندگان برخی از آن‌ها امروزه به نام اوستی (ایروانی) با حفظ زبان ایرانی خویش به آیین مسیحیت گرویده‌اند. برخی دیگر از این اقوام ایرانی به زبان‌های غیرایرانی سخن می‌گویند. برخی از مردمان هند و اروپایی که به قفقاز کوچیدند، ارمنیان هستند که در حدود سده ۷ پ.م در سرزمین اورارتو ساکن شدند.

قفقاز دست‌کم از زمان کورش کبیر (۵۵۹ - ۵۳۰ پ.م) به بعد، بخشی از قلمرو ایران شمرده می‌شد. ارمنستان، گرجستان و آلبانیا (اران و شروان) که در حوزه تمدن ایرانی قرار داشتند، در روزگار اشکانیان و ساسانیان جایگاه کشمکش شاهنشاهی ایران با لشکرکشی‌های امپراتوران روم از سوی غرب و تهاجمات کوچ‌نشینان از سمت شمال (عمدتاً از گذرگاه‌های دربند و داریال) بوده است. با بر افتادن دولت ساسانی، تهاجمات خزران با حمایت امپراتوری روم شرقی (بیزانس) از طریق دربند به ایران فزونی گرفت و به زودی فرمانروایان ایرانی قفقاز چون شهر براز (در دربند) و جوانشیر (در اران) به ناچار در برابر جنگجویان عرب مسلمان که در حدود ۲۲ ق به قفقاز رسیده بودند تسلیم شدند. دژهای دربند برای جلوگیری از یورش قبایل شمالی مانند دوره ساسانی برای خلفا مهم بود. با این همه مهاجمان توانستند چندین بار از دربند گذشته و در نواحی جنوبی ساکن شوند. مردمان نواحی شرقی و جنوبی قفقاز که اکثراً پیرو کیش زرتشتی بودند به تدریج اسلام پذیرفتند، ولی کوه‌نشینان آن سرزمین هم‌چنان در آیین‌های زرتشتی و مسیحی خویش باقی ماندند. از این گذشته در اواخر دوره اموی و اوایل دوره عباسی، برای مقابله با تاخت و تازهای خارجی و شورش‌های داخلی، گروه‌هایی از عرب‌های مسلمان از عراق و سوریه به دربند و پیرامون آن کوچانده شدند.

مرز جهان اسلام در شمال قفقاز در امتداد رود اترک قرار داشت. امیران شهرهای دربند، شماخی، بردعه، بیلقان و نخجوان، نخست از سوی خلفا برگزیده می‌شدند ولی رفته‌رفته امیران محلی چون یوسف بن ابی ساج و سپی مرزبان بن محمد تا ۳۴۰ ق جای آن‌ها را گرفتند. پس از مرزبان، شدادیان، حدود ۱۰۰ سال بر آران فرمان راندند و سپس سلجوقیان جای آن‌ها را گرفتند. مردم آران تا پیدایش دولت صفویه، بیشتر سنی مذهبی بودند و از آن پس همراه دیگر ایرانیان به تشیع گرویدند. از این زمان به بعد همانند روزگار ساسانی، پادشاهان ایران ناگزیر به دفاع از این سرزمین در برابر یورش‌ها و تاخت و تازهای عثمانیان از غرب و روس‌ها از شمال بودند. کوششی که با موفقیت تا اوایل قاجاریه ادامه یافت و در این زمان به سبب ناتوانی قاجارها به ناچار بخش‌هایی مهمی از ایران در شمال رود ارس طی دو پیمان گلستان (۱۸۱۳ م) و ترکمانچای (۱۸۲۸ م) به روسیه واگذار شد. پس از تسلط روسیه بر قفقاز، ضرورت اتحاد مردم آن نواحی بیشتر احساس شد. رسمیت یافتن مذهب شیعه اثنی‌عشری، در کنار چهار مذهب سنی در کنگره سوم مسلمانان روسیه در سال ۱۹۰۵، از جمله گام‌های اتحاد مردم مسلمان آن دیار بود. پس از انقلاب کمونیستی در روسیه و طی جنگ‌های داخلی آن کشور، ایرانیان قفقاز و از جمله شیعیان آران شروان کوشیدند، در برابر امواج کمونیسم بایستند. بعد از برقراری حاکمیت دولت شوروی بر قفقاز، رابطه این مردم با ایران و کشورهای دیگر اسلامی قطع شد. از سال ۱۹۲۰ زیارت حج و سفر شیعیان به اماکن مقدس ایران و عراق

متوقف شد. تغییر الفبای سنتی به لاتین در ۱۹۲۹ و سپس به روسی در ۱۹۳۹ پیوندهای فرهنگی آنان را با گذشته خود نیز کاهش داد. در ۱۹۲۴ شریعت اسلامی ملغی اعلام شد. در ۱۹۲۸ کلیه مدارس محلی و دینی تعطیل شد و تا ۱۹۳۰ کل موقوفات از سوی دولت مصادره گردید. به همین گونه شمار مساجد به تدریج کاهش یافت و تا ۱۹۶۴ به کمتر از ۵۰۰ باب رسید. امروزه تعداد مساجد جمهوری آذربایجان (آلبانیا) حدود ۱۶ باب برآورد شده است. بیشتر مسلمانان آذربایجان پیشین شوروی، شیعی و پیرو مذهب جعفری هستند و از مراکز دینی مشهد، قم، نجف و کربلا پیروی می کنند. شمار شیعیان در سال ۱۹۷۹ را حدود ۳۸۰۰۰۰۰ نفر (۷۰ درصد) تخمین زده اند. غالب کردهای ساکن قفقاز نیز، شیعی مذهب اند. شیعیان در جاهای دیگر قفقاز به صورت گروه های پراکنده ای، مثلاً در میان لزگی های داغستان وجود دارند.

فصل اول: اسلام

اسلام در شمال قفقاز

جامعه اسلامی روسیه به لحاظ تاریخی مرکز واحدی نداشته و جمعی از ده‌ها قوم بوده است که در زمان‌های مختلف و به اشکال گوناگون اسلام آورده بودند. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، در داخل روسیه دو قطب اسلامی (سواحل رود ولگا و شمال قفقاز) باقی مانده است. این مقاله به ویژگی‌های قطب شمال قفقاز اختصاص دارد.

اسلامی ترین منطقه روسیه

مسلمانان شمال قفقاز به اقوام گوناگون تقسیم شده و پیرو جریان‌های مختلف اسلام هستند در حالی که مسلمانان منطقه ولگا عمدتاً به یک قوم تعلق دارند و پیرو مذهب حنفی اسلام سنی هستند. مهاجران از قفقاز به مناطق مرکزی روسیه نیز، بخش مهم و فعال مسلمانان را تشکیل داده و میدان را بر مسلمانان بومی تنگ کرده‌اند. مسلمانان شمال قفقاز عمدتاً پیرو دو مذهب حنفی (که همه جا رواج دارد) و شافعی (چچن‌ها، اینگوش‌ها و بخش عمده داغستانی‌ها) هستند. آذربایجانی‌های اهل تشیع نیز در داغستان

زیادند. گسترش طریقت‌های تصوفی، یکی از ویژگی‌های زندگی اسلامی در شمال قفقاز است. در روسیه تزاری این طریقت‌ها نفوذ خود را در میان اقوام منطقه ولگا و اورال نیز گسترش داده بودند. صوفی‌ها در داغستان فعال‌اند. بخش عمده جمعیت این جمهوری به دو طریقت نقشبندیه و قادریه تعلق دارند. شمال قفقاز، اسلامی‌ترین منطقه روسیه است. مسلمانان بخش اعظم جمعیت هر یک از پنج جمهوری این منطقه را تشکیل می‌دهند. زائران داغستانی بخش عمده شهروندان روسیه را تشکیل می‌دهند که هر سال به حج می‌روند. تعداد طلاب مؤسسات آموزشی اسلامی داغستان از جمع همه مناطق دیگر روسیه بیشتر است. مقامات رسمی چچن، اینگوشتیا و داغستان از روند اسلامی‌سازی حمایت می‌کنند و سعی می‌کنند شرایط زندگی هموطنان مسلمان خود را راحت‌تر بکنند. اسلام در مدارس عمومی تدریس می‌شود و تفریحات ناسازگار با دین اسلام ممنوع اعلام شده است. سال به سال نفوذ مسلمانان شمال قفقاز در امت اسلامی روسیه تقویت می‌شود. بزودی قازان و اوافا، «پایتخت» مسلمانان روسیه را به گروزنی و ماخاچ‌قلعه خواهند داد. داغستان، مرکز زندگی اسلامی منطقه شمال قفقاز است. در سال‌های دگرگون‌سازی گورباچف در همین جمهوری احیای خروشان سنت‌های اسلامی شروع شد که متأسفانه با تشدید نفوذ پیروان نظریات رادیکال توأم بود.

ضربه از طرف سلفی ها

مشکل بتوان گفت پیروان وهابیت چه زمانی در شمال قفقاز ظاهر شدند. ولی این پدیده قدمت معینی دارد زیرا مقامات کشور حتی در سال‌های ۱۹۵۰ از وجود گروه‌های وهابی در داغستان خبر داشتند. این گروه‌ها در سال ۱۹۸۹ با صدای بلند اعلام موجودیت کردند. در آن زمان وهابی‌های آسیای مرکزی و داغستان موفق به برکناری مفتی‌های مناطق خود شدند. این اقدام در شمال قفقاز موجب تجزیه اداره روحانیت مسلمانان شمال قفقاز و تشکیل ادارات قومی روحانیت شد. تفرقه فزاینده در میان مسلمانان سنت‌گرای شمال قفقاز به نفع مخالفان عقیدتی آن‌ها تمام شد. بحران اقتصادی در کشور نیز برای وهابی‌هایی که دوست دارند خود را سلفی‌ها بنامند، مفید بود. آن‌ها با دریافت کمک‌های مالی گزاف از برادران ایمانی خارجی به راحتی می‌توانستند پیروان جدید را پیدا کنند. اواسط سال‌های ۱۹۹۰ بازگشت گروه‌های اول طلاب اعزام شده به مدارس روحانی عربی و ترکی باعث رشد شدید تعداد وهابی‌ها در روسیه شد. جنگ اول چچن، انگیزه نیرومندی برای توسعه این جنبش شده بود.

در سال ۱۹۹۸ مسأله وهابیت در شمال قفقاز حالت بحرانی پیدا کرد. تا آن زمان وهابی‌ها در چچن به قدرت رسیده بودند و در جمهوری‌های داغستان و اینگوستیا مواضع محکمی داشتند. برخورد وهابی‌ها با مسلمانان سنت‌گرا معمولاً به خونریزی می‌کشید. قتل نمایشی ابوبکروف، مفتی داغستان نشان داد که نمی‌توان با وهابی‌ها به توافق رسید. محمد البوگاچیف مفتی

اینگوستیا و احمد قادروف مفتی چچن، ریاست مبارزه با وهابی ها در شمال قفقاز را بر عهده خود گرفته و طی مدت کوتاهی موفق به متحد کردن مسلمانان سنتگرای منطقه خود شدند. آن‌ها حتی به تشکیل مرکز هماهنگی مسلمانان شمال قفقاز مبادرت ورزیدند که ۷ اداره منطقه‌ای روحانیت را در بر گرفت. در مناطق شمال قفقاز قوانینی علیه وهابی ها وضع شد و بعد از دفع حمله باسایف به داغستان، در سال ۱۹۹۹، مبارزه با این جریان اسلامی در همه جبهه‌ها آغاز گردید.

ولی سلفی ها حاضر نبودند بدون نبرد عقب‌نشینی کنند. آن‌ها با موفقیت از اعلام منع قانونی «اسلام ناب» (به تعبیر وهابی ها) ممانعت کردند که در این شرایط، پیشگیری از گسترش این ایدئولوژی به کار دشواری تبدیل شد. ده‌ها تن از شخصیت‌های روحانی، روزنامه‌نگاران، محققان و کارمندان گماشته شده دولت به آن‌ها کمک کردند زیرا به طور خستگی ناپذیر شعار تبلیغاتی درباره صلح‌آمیز بودن وهابیت را تکرار می‌کردند. رهبران شورای مفتی‌های روسیه به وهابی ها کمک خاصی کرده و همیشه به تزییع حقوق آن‌ها اعتراض می‌کردند. برای مثال، مفتی راویل عین‌الدین بارها بر مثبت بودن سلفیت تأکید کرده و با منع آن مخالفت ورزیده است. ولی‌الله یعقوبوف معاون مفتی تاتارستان در این رابطه خاطرنشان کرد که در روسیه، فعالیت اعضای سازمان‌های حزب التحریر، «تبلیغ» و پیروان نوری که هنوز کسی را نکشته‌اند، ممنوع اعلام شدند، ولی نظریه وهابیت که تعداد قربانیان آن به ده‌ها هزار نفر می‌رسد، مانند سابق صلح‌آمیز و قانون‌مدار محسوب می‌شود.

شکست در نبرد آشکار باعث شد که وهابی ها در شیوه عمل خود بازنگری بکنند. آن‌ها از حمله به شهرها دست کشیده و به اعمال تروریستی متوسل شدند زیرا واکنش جامعه به انفجار راه‌آهن به اندازه واکنش به حمله به بیمارستان یا مدرسه نیست. تروریست‌ها سعی می‌کنند خود را به عنوان مبارزان علیه کارمندان فاسد دولت، پلیس و ملایان ملحد معرفی کنند و تأکید کنند که مردم عادی می‌توانند روی کمک آن‌ها حساب کنند. میزان بالای فساد مالی در داغستان و اینگوشتیا و بعضی جمهوری‌های دیگر به نفع آن‌هاست.

سازمان‌های تروریستی که ساختار شبکه‌ای دارند، چندان آسیب‌پذیر نیستند و خیلی سریع تلفات خود را جبران می‌کنند. شبه نظامیان خودکفا شده و بیش از این به پول عربی وابسته نیستند. آن‌ها ترجیح می‌دهند از طریق باج‌گیری از صاحبان شرکت‌ها نیازهای خود را تأمین کنند. تبلیغات آن‌ها نیز تغییر کرده است. آن‌ها بیش از پیش نقاب مسلمانان سنت‌گرا را به چهره خود می‌زنند، اسلام سنتی را از درون ویران می‌کنند و اسلام خود را در جای آن می‌گذارند. بخش عمده رسانه‌های گروهی روسی‌زبان اسلامی در حد کمتر یا بیشتر دست خوش اندیشه‌های سلفی شده و به تبلیغ اعمال رهبران تروریست‌ها (از جمله شخصیت بدنامی چون «سعید بوریات») دست می‌زنند.

رهبران روحانی پیرو اسلام سنتی، در خط مقدم مبارزه با افراطی‌های قرار گرفته‌اند. در تابستان سال ۲۰۰۶ انزور آستمیروف امیر نظامی جمهوری

کاباردا بالکاریا طی پیامی به مسلمانان جمهوری که در سایت افراطی های چچن «قفقاز سنتر» منتشر شد، اعلام کرد که «لیست ائمه خائن تدوین شده و به آن‌ها هشدار و فرصتی برای اصلاح رفتار خود داده خواهد شد. اگر این هشدار را نفهمند، نابود خواهند شد».

بعد از پخش این پیام حملات به ائمه سنتی شمال قفقاز افزایش یافت. تا کنون بیش از ۶۰ نفر از روحانیون و اعضای خانواده‌های آن‌ها به دست شبه نظامیان کشته شده و ده‌ها نفر مجروح شده‌اند.

دوباره جنگ با تروریسم؟

سال ۲۰۰۹ برای مسلمانان سنت‌گرا، سال فاجعه‌باری بود. اگر در سال ۲۰۰۷ فقط پنج مورد حمله به ائمه ثبت شده بود، در سال ۲۰۰۹ این تعداد دو برابر افزایش یافت. پنج نفر امام کشته و پنج نفر دیگر زخمی شدند. در سال ۲۰۰۹ اعضای سازمان تروریستی «نیروهای مسلح ولایت اینگوشتیا» خود را مسئول قتل کشیش «دانیل سیسویف» در مسکو اعلام کردند. او پنجمین کشیش ارتدوکس کشته شده به دست وهابی‌های شده است. قتل احمد تقایف مفتی داغستان (۲۵ می ۲۰۰۹) و اسماعیل بوستانوف، معاون اول مفتی قره‌چای چرکسیا و رئیس دانشگاه اسلامی چرکس (۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹)، همزمان با عید فطر) بیشترین توجه را به خود جلب کرد. این دو شخصیت روحانی به خاطر مبارزه سازش‌ناپذیر خود با وهابی‌های شهرت

زیادی یافته بودند. مسلمانان شمال قفقاز دو عالم معتبر اسلامی را از دست دادند که در عمل با گسترش فعالیت افراطی های مقابله می کردند. تا کنون کسی جای آن‌ها را نگرفته است زیرا کسی نمی‌خواهد به ضرب گلوله تروریست‌ها جان خود را از دست بدهد. آرکادی یدلف معاون وزیر کشور روسیه روز ۱۵ ژانویه ۲۰۱۰ اظهار داشت که تروریست‌ها، روحانیون مسلمان شمال قفقاز را بیش از پیش تهدید می‌کنند. واقعاً بسیاری از ائمه منطقه با انتخاب دشواری روبرو شده‌اند که به دین و ایمان خود وفادار بمانند و جان خود را در مخاطره قرار دهند یا به تبلیغ وهابیت پردازند که در ازای این کار می‌توانند فقط به حبس کوتاهی در ازای تحریک خصومت‌های مذهبی محکوم شوند (عبدالله - آنتون استپانکو امام شهر پیاتیگورسک این گونه توسط دادگاه مجازات شد). ائمه‌ای که در خط مقدم جبهه مبارزه می‌کنند، مرتباً کمک می‌طلبند ولی نمی‌توان برای هر یک از آن‌ها محافظ مسلح گذاشت. تازه حملات اخیر به واحدهای پلیس نشان می‌دهد که حتی وجود محافظان هیچ ضمانتی نمی‌دهد. اقداماتی که اتخاذ می‌شوند، نمی‌توانند جلوی ترور مستمر روحانیون را بگیرند.

باید اعتراف کرد که مقامات فدرال فعلاً جنگ با افراطی های شمال قفقاز را که از پوشش اسلامی استفاده می‌کنند، می‌بازند. مبارزه با پیروان اندیشه‌های افراطی چندان فعال نیست. شبه نظامیان ابتکار عمل را از دست نداده و هر روز به نیروی انتظامی، کارمندان دولت و روحانیت مسلمان ضربات وارد می‌کنند. حتی اقدامات شدید پدر و پسر قادروف که چند هزار نفر از وهابی

ها را از بین برده‌اند، به این گروه ضربه محکمی وارد نکرده است. شبه نظامیانی که از خاک چچن بیرون رانده شدند در مناطق مجاور سنگر گرفته و تقویت شدند و حالا برای ادامه حملات در خاک چچن آماده هستند. بدیهی است که مبارزه با وهابیت باید در سراسر روسیه و با قاطعیت هر چه بیشتر اجرا شود. مقامات رسمی کشور باید اراده محکمی از خود نشان دهند و ایدئولوژی وهابیت را به عنوان ایدئولوژی تروریستی ممنوع اعلام کنند. تعریف دقیق حقوقی وهابیت به عنوان ایدئولوژی تروریستی کار دشواری نیست. نباید فکر کرد که تشدید اوضاع شمال قفقاز در بدترین فرصت باعث جدایی این منطقه از فدراسیون روسیه خواهد شد.

این سناریو بیش از حد خوشبینانه است. دور از انتظار نیست که وهابی‌ها خود را پیرو دین جهانی اعلام می‌کنند. آن‌ها نه تنها قفقاز، بلکه تمام جهان را می‌خواهند. به همین علت حضور خود را در سراسر روسیه گسترش می‌دهند. بعید نیست که به زودی در مسکو، قازان و اوفا نیز به قتل ائمه مساجد دست بزنند. مبارزه با افراط دینی، کار بسیار دشواری است ولی چاره دیگری وجود ندارد. یا وهابی‌ها باید نابود شوند یا اینکه خودشان دیر یا زود مخالفان خود را از بین خواهند برد.

در این رابطه باید از تجربه کشورهای اسلامی استفاده کرد که خطر نیروهای غیرقانونی اسلام‌پستی را می‌فهمند و برای ممانعت از فعالیت آن‌ها

تلاش زیادی می‌کنند. آن‌ها در این زمینه کمتر از هر چیز دیگر به نقطه نظر وزارت خارجه آمریکا توجه می‌کنند.

نویسنده: رمان سیلاتیف^۱

منبع: «ادیان»، ضمیمه «نزاویسیمایا گازتا»، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۰

^۱ دانشیار دانشگاه دولتی زبان شناسی مسکو، عضو شورای کارشناسی دینی

اتحاد مسلمانان روسیه

از ۵ دسامبر سال ۲۰۰۹، که در اوف، نمایندگان ادارات روحانیت کشور برای بررسی امکان متحد شدن مسلمانان روسیه و تشکیل سازمان واحد آنها گرد هم آمده بودند، پشتیبانی رمضان قادروف از این برنامه‌ها مورد بحث زیادی قرار گرفته است. هفته گذشته این حدسیات به اثبات رسید. خود رمضان قادروف در گفتگو با روزنامه‌نگاران اظهار داشت که در روسیه باید شورای مفتی‌ها تشکیل شود که همه ادارات روحانیت را در بر گیرند. رئیس جمهور چین گفت: «من قطعاً طرفدار اندیشه اتحاد مسلمانان روسیه هستم. دشمنان ما به راحتی اتحادیه‌های کوچک مذهبی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند که برای جلوگیری از این وضع باید شورای مفتی‌ها را تشکیل داد».

لازم به یادآوری است که اندیشه اتحاد مسلمانان روسیه تحت سرپرستی یک سازمان واحد و رهبر واحد تا کنون چند بار توسط رهبران چین مطرح شده است. در ماه مارس سال ۲۰۰۴ احمد قادروف، رئیس جمهور سابق چین گفته بود که مسلمانان روسیه باید یک رئیس داشته باشند که حاکمیت او باید شامل حال همه مناطق فدراسیون روسیه شود. به گفته وی، «فقدان این مرکز مانع از اتحاد می‌شود. ما به مفتی عالی روسیه احتیاج داریم». آیا اظهارات اخیر رمضان قادروف را می‌توان به عنوان تداوم خط پدرش دانست

یا اینکه یک برنامه مشخص در نظر گرفته شده است؟ آنچه که توجه ناظران را به خود جلب می‌کند، این است که رئیس جمهور چین در حالی این مطالب را بر زبان آورد که حوزه فدرال ویژه شمال قفقاز تشکیل شده و منتیمیر شایمیف استعفای خود را از مقام رئیس جمهور تاتارستان اعلام کرد. رویداد اول به منطقه قفقاز اهمیت خاصی بخشیده و آن را از مناطق روس‌نشین قسمت جنوبی روسیه جدا کرده است. ممکن است در این شرایط رقابت بین جمهوری‌های قفقاز بر سر رهبری در منطقه شدت یابد. منطقی است که این رقابت به عرصه مذهبی هم گسترش یابد.

رویداد دوم بدان معناست که رهبر بزرگترین قوم مسلمان روسیه از صحنه سیاست بزرگ خارج می‌شود. این امر اهمیت داخلی و خارجی دارد. جهان عظیم اسلام که روسیه برای روابط خود با آن ارزش قایل است، رهبران جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه را به عنوان نمایندگان امت مسلمان روسیه قبول دارد. فراموش نشود که در اسلام، قدرت سیاسی و معنوی از هم جدایی‌ناپذیر است. قبلاً روسای جمهوری‌های چین و تاتارستان به طور جداگانه به عربستان سعودی می‌رفتند و گویا بر سر تایید از سوی بانفوذترین کشور عربی، به عنوان نمایندگان رسمی امت اسلامی روسیه رقابت می‌کردند. حالا رمضان قادروف رقیبی هم وزن ندارد. جالب توجه است، در حالی که، در سال ۲۰۰۴ احمد قادروف «مفتی عالی» را به عنوان رهبر مسلمانان ذکر کرده بود (منظورش حتماً طلعت تاج الدین بود)، اکنون

رمضان قادروف درباره شورای مفتی‌ها صحبت می‌کند. آیا منظور وی سازمانی با همین اسم است که تحت ریاست مفتی راویل عین‌الدین فعالیت می‌کند؟ آلکسی مالاشنکو، کارشناس علوم سیاسی و نویسنده کتابی درباره رمضان قادروف، معتقد است که رئیس جمهور چین درباره همان شورای مفتی‌های روسیه صحبت می‌کند که در مسکو کار می‌کند. مالاشنکو گفت: «سازمان راویل عین‌الدین واقعاً موجود است و فعالیت می‌کند. این سازمان برنامه‌های خود را اجرا می‌کند و از سلسله مراتب داخلی و منابع مالی برخوردار است». ولی رمان سیلانتیف کارشناس مسایل اسلام یادآوری کرد که در ساختار اداره مرکزی روحانیت مسلمان روسیه تحت ریاست طلعت تاج‌الدین مفتی عالی روسیه، سازمانی به نام «شورای مفتی‌ها» نیز فعالیت می‌کند. چرا رمضان قادروف به این سازمان‌ها توجه کرده و علاقه به مرکز هماهنگی مسلمانان شمال قفقاز را از دست داده است؟ از قرار معلوم، حدود شش ماه قبل سعی کردند، مقر مرکز هماهنگی را به گروزی منتقل کنند و سلطان میرزایف مفتی چین را در رأس آن بگذارند. گویا مقامات فدرال از اجرای این برنامه ممانعت کردند. ولی یک علت دیگر بی‌علاقگی رمضان قادروف به مرکز هماهنگی وجود دارد.

آلکسی مالاشنکو می‌گوید: «در شمال قفقاز نمی‌توان یک سازمان مؤثر و فعال ایجاد کرد. مرکز هماهنگی مسلمانان شمال قفقاز چیزی جز جلسه مشورتی سران ادارات محلی روحانیت نیست. مفتی‌ها با هم گفتگو می‌کنند

ولی نمی‌توانند تصمیمات مشترکی بگیرند و اجرا کنند. هر یک از جمهوری‌ها وضعیت خاصی دارد. برای مثال، فرق بین جمهوری قره‌چای چرکسیا و جمهوری داغستان از زمین تا آسمان است.» به عقیده این کارشناس، مرکز هماهنگی نمی‌تواند به چیزی شبیه به شورای مفتی‌های مسکو با مرکز در گروزی تبدیل شود. در منطقه چندین قومی شمال قفقاز نهادهای مفتی‌ها به صورت قومی تنظیم شده‌اند. بزرگترین اداره روحانیت در چین است زیرا چینی‌ها، بزرگترین قوم مسلمان منطقه هستند. ولی فراوانی چینی‌ها از نظر اقوام مجاور دلیلی کافی برای رهبری آن‌ها نیست. به گفته مالاشنکو، با توجه به وجود مرکز معتبر اسلامی داغستان، چه طور می‌توان مرکز هماهنگی را به گروزی منتقل کرد؟

احتمال زیادی می‌رود که چارچوب سیاست شمال قفقاز برای ریاست سیاسی و روحانی چین بیش از حد تنگ شده است. رمان سیلانیتیف می‌گوید: «مسلمانان چین آرزو دارند از حدود منطقه پا فراتر بگذارند. آن‌ها می‌خواهند در تمام جمعیت مسلمان روسیه نقش اساسی بازی کنند. اظهارات اخیر رمضان قادروف را می‌توان از همین زاویه در نظر گرفت.» ولی اکثر کارشناسانی که نقطه نظر خود را در مصاحبه با «نزاویسیمایا گازتا» بیان کردند، معتقدند که در مرحله کنونی پیشنهاد رمضان قادروف باید به عنوان یک شعار عوام‌پسند و نه دستور العمل مشخص، تلقی شود. اندیشه وحدت مسلمانان روسیه صرف نظر از اینکه توسط چه کسی اعلام شده باشد، به یک طرح تخیلی شباهت دارد. این نتیجه ناهمگونی قومی جمعیت

مسلمان روسیه و تنوع سنت‌های معنوی است. مشکلات سازمانی هم به نفع اتحاد مسلمانان روسیه نیست. اختلافات بین سازمان‌های موجود اسلامی و ادعاهای شخصی رهبران آن‌ها به گسترش روندهای گریز از مرکز منجر می‌شود. سیلانتیف گفت: «در حال حاضر روند واگرایی در جامعه مسلمان روسیه از روند همگرایی قوی‌تر است. رویارویی در سطح محلی در دهها منطقه کشور همچنان ادامه دارد». از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که رمضان قادروف تصمیم گرفت از عامل اسلامی برای ورود به میدان سیاسی فدرال استفاده کند. ولی رفتار تند و غیر پیگیرانه رهبر چچن می‌تواند به ضرر اتحاد مسلمانان تمام شود و ساکنان مناطق دیگر مسلمان نشین روسیه را به مخالفت با پیشنهاد قادروف وادار کند. رمان سیلانتیف می‌گوید: «چچنی‌ها اکثراً در محیط اسلامی بیش از حد شدید رفتار می‌کنند، که عده زیادی با این وضع مخالف‌اند. سیاست انعطاف‌ناپذیر آن‌ها قبل از همه با نارضایتی تاتارها روبرو می‌شود. تاتارها همین‌طور از تضعیف مواضع خود ناراضی هستند که این تهاجم از طرف چچن باعث ناراحتی بیشتر آن‌ها می‌شود».

نویسنده : آندری ملنیکوف

منبع : «ادیان»، ضمیمه «نزاویسیمایا گازتا»، ۳ فوریه ۲۰۱۰

فصل دوم: سیاست

کرمین و ریاست جمهوری داغستان

کرمین بعد از تفکر و تأمل طولانی و ظاهراً دشوار بالاخره درباره نامزد مقام ریاست جمهوری داغستان تصمیم گرفت. محمدسلام محمدوف از طرف رئیس جمهور روسیه به مجلس مردمی داغستان معرفی شد که باید او را منصوب کند. بدین وسیله، محو علی یف موفق شد فقط یک دوره ریاست جمهوری را طی کند. او می رود و زمام امور را به پسر محمدعلی محمدوف، رئیس سابق شورای دولتی جمهوری داغستان می سپارد. این بار دوم است که در شمال قفقاز وراثت غیر مستقیم قدرت عالی جمهوری مشاهده می شود. بار اول، انتقال قدرت از احمد قادروف (بعد از قتل وی) به پسرش رمضان قادروف در چچن بود. به علت جوانی رمضان قادروف، قرار شده بود تا زمانی که سنش واجد شرایط شود، مقام ریاست جمهوری به آلو آخانوف سپرده شود. در گروزی از همان ابتدا کسی شک نداشت که این یک تصمیم موقت است و اینکه آخانوف به زودی جای خود را به قادروف جوان خواهد داد. در داغستان وضعیت متفاوتی ایجاد شد. با وجود اینکه در سال ۲۰۰۶

بعد از انتصاب محو علی یف به مقام ریاست جمهوری، مخالفانش پایان سریع فعالیت سیاسی او را پیش بینی کرده بودند (حداقل به علت زیادی سن: امسال ۷۰ سالش تمام می شود)، مرکز فدرال سعی کرد به مردم جمهوری تلقین کند که این سیاست مدار، تبلور اصول جدید اداره امور است و باید مفاسدی را که طی ۱۵ سال بعد از فروپاشی شوروی در داغستان انباشته شد، اصلاح کند. حالا کرملین حرکت غیر منتظره ای کرد و زمام امور جمهوری را به گروهی بازگرداند که ۴ سال پیش (در زمان ریاست جمهوری و ولادیمیر پوتین) سعی کرده بود آن ها را از فرمان قدرت دور سازد. شکی نیست که نمایندگان مجلس مردمی داغستان به محمدسلام محمدوف رأی خواهند داد (روز چهارشنبه ۱۰ فوریه این رأی گیری برگزار شده و محمدسلام محمدوف منصوب شد - مترجم). نمایندگان مجلس جمهوری به چند گروه تقسیم شده اند که طی سه ماه اخیر که رئیس جمهور روسیه بایستی تصمیم خود را بگیرد، با هم دشمنی شدیدی می ورزیدند. همه نمایندگان باید تا پایان دوره پارلمانی با رئیس جدید جمهوری همکاری کنند و کسی نمی خواهد این روابط را تیره بکند. در داغستان تفسیرهای مثبتی از انتخاب کرملین شنیده می شود. محمدسلام محمدوف واقعاً بهترین نامزد ریاست جمهوری از ۵ نفری است که در پاییز سال گذشته توسط حزب «روسیه واحد» معرفی شده بودند. این شخصیت ۴۶ ساله از تحصیلات معتبر اقتصادی و تجربه کار در شرکت هایی برخوردار است که مشغول

توسعه میادین نفتی فلات قاره داغستان بودند. او را مرد متمولی محسوب می‌کنند. با توجه به زمامداری طولانی پدرش این امر باعث تعجب نمی‌شود. از سوی دیگر، مردم امیدوارند که این سیاستمدار شخصاً به هیچ‌گونه رشوه‌خواری و خرید و فروش مقام‌ها علاقه‌مند نباشد. در ماخاچ‌قلعه، محمدسلام محمدوف را کمی مغرور و متکبر می‌دانند ولی این عیب بزرگی نیست.

همانطور که ما بارها نوشته بودیم، محو‌علی‌یف رئیس‌جمهور فعلی و محمد عبدالله‌یف، آشنای دمیتری مدودف در دوران دانشگاهی، محتمل‌ترین نامزدهای ریاست جمهوری داغستان محسوب می‌شدند. چند ماه پیش برای محمد عبدالله‌یف اطلاق مجهزی در خانه دولت ماخاچ‌قلعه، ارتباط ویژه دولتی و محافظان رسمی را تأمین کرده بودند ولی او ناگهان داغستان را ترک کرد که این امر باعث تأسف مردم جمهوری نشد. معلوم بود، محمد عبدالله‌یف یک حقوقدان دانشگاهی که در عرصه قدرت فعالیت نکرده است، نمی‌تواند از پس گروه‌های نیرومند داغستانی بر آید. ولی محو‌علی‌یف به خاطر سن بالا و چند اشتباه در زمینه انتصاب کادرها و توسل به فشار اداری در جریان انتخابات شهردار شهر دربند به تاریخ ۱۱ اکتبر سال گذشته رد شد. می‌توان فرض کرد که بخش عمده اطرافیان محو‌علی‌یف مجبور شوند به دنبال رئیس‌جمهور سابق مقام‌های خود را ترک کنند. علی‌یف فرصت تأمین منافع خود را از دست داده است. وی در آغاز ریاست جمهوری خود به جای اینکه برای محمدسلام محمدوف ریاست پارلمان را باقی بگذارد با او

و با پدر محترم او دعوا کرد. حالا معلوم می‌شود که عشق و نفرت کرملین متغیر است و کسانی که آسیب دیده بودند، حتماً انتقام خواهند گرفت. احتمال معینی می‌رود که محمد عبدالله‌ایف که آشنای رئیس جمهور روسیه از دوره فوق لیسانس دانشگاه است، با ورود به تیم جدید داغستان، احتمالاً نخست وزیر شود. محمدسلام محمدوف به قوم دارگین تعلق دارد، ولی در داغستان رسم است که سه مقام اول یعنی رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس مجلس، بین آواری‌ها، دارگین‌ها و کومیک‌ها تقسیم شود. آواری‌ها ناراضی‌اند که مقام ریاست جمهوری را از دست داده‌اند. ولی احتمال کمی می‌رود که محمدسلام محمدوف مانند پدرش با مخالفت یکپارچه آواری‌ها روبرو شود. در زمان حکومت محو علی‌یف ائتلاف آواری‌ها تجزیه شده است. سعید مرتضی‌علی‌یف یکی از رهبران سابق آن و رئیس ناحیه «قیزلار» داغستان، اعلام کرد که از رئیس جمهور جدید حمایت خواهد کرد ولو اینکه ناظران داغستانی مرتضی‌علی‌یف را به رمضان قادروف تشبیه کرده و یکی از نامزدهای مقام ریاست جمهوری محسوب می‌کردند. گفته می‌شود که محمدسلام محمدوف از پشتیبانی سلیمان کریموف، میلیاردر معروف داغستانی، برخوردار است که برای حمایت از او تلاش زیادی کرد. ولی ناراضیان هم وجود دارند. برای مثال، سعید امیروف شهردار ماخاچ‌قلعه که خود را رهبر قوم دارگین می‌داند و واقعاً نفوذ عظیمی دارد، از انتصاب محمدسلام محمدوف خوشحال نشده است. او می‌تواند در میان آواری‌هایی

که نفوذ سابق خود را از دست داده‌اند، دنبال متحدان بگردد. یکی از آن‌ها، سعید پاشا اوماخانوف، شهردار خاساویورت است که تا آخرین لحظه طرفدار محو علی‌یف بود. در هر حال، در داغستان عده زیادی محمدسلام محمدوف را به عنوان نماینده دو گروه یعنی اطرافیان پدرش و تجار بزرگ داغستانی مسکو تلقی می‌کنند. ولی در فضای سیاسی این جمهوری مراکز با نفوذ دیگری وجود دارند که محمدسلام محمدوف باید از همه استعداد‌های خود و از حمایت مرکز فدرال استفاده کند تا از تشکیل اپوزیسیون منظم آن‌ها جلوگیری کند. شبه نظامیان هم از فعالیت خود دست نخواهند کشید، زیرا برای آن‌ها مهم نیست چه کسی نماینده «رژیم اشغالی» باشد.

در هر حال، داغستان می‌تواند نفس راحتی بکشد زیرا روند طولانی‌گزینه‌ش نامزد مقام ریاست جمهوری باعث بی‌ثباتی اوضاع دشوار جمهوری شده بود ولی الآن این حالت ابهام به پایان رسیده است. مهم نیست مسکو چه کسی را انتخاب کرده باشد. بعد از ماه‌ها پخش مطالب بی‌اعتبار کننده، علیه ۵ نامزد، همه آن‌ها تضعیف شده‌اند. در این شرایط حمایت مرکز فدرال و ریاست حوزه فدرال شمال قفقاز اهمیت دارد زیرا بدون این حمایت رئیس آینده جمهوری داغستان دورنمای بسیار تیره‌ای در پیش خواهد داشت. انتصاب محمدسلام محمدوف نشان می‌دهد که مسکو حاضر است از تجار بزرگ شمال قفقاز استفاده کند تا به توان‌بخش اقتصادی مناطق مشکل‌زای قفقازی کمک کند. علاوه بر داغستان، این روند می‌تواند در جمهوری اینگوشتیا شروع شود که آنجا به بازگشت میخیایل گوتسیریف رئیس سابق

مغضوب شرکت ((روس نفت^۲)) امید بسته‌اند. چین و جمهوری‌های دیگر قفقاز که زادگاه بسیاری از پولداران روسیه هستند، می‌توانند از خدمات آن‌ها استفاده کنند.

نویسنده: ایوان سوخوف

منبع: روزنامه «ورمیا نووستی»، ۹ فوریه ۲۰۱۰

رئیس جدید جمهوری داغستان

دمیتری مدودف رئیس جمهور فدراسیون روسیه باید حد اقل ۳۰ روز قبل از پایان دوره ریاست جمهوری داغستان، نفر جدید را برای این مقام معرفی کند. ۲۰ فوریه دوره ریاست جمهوری محو علی یف سر می رسد. بنا بر این، دمیتری مدودف باید تا ۱۹ ژانویه نامزد جدید را معرفی کند. تا این تاریخ وضعیت بسیار جالبی مشاهده می شود. با وجود اینکه انتخابات واقعی رئیس جمهور داغستان در کرملین برگزار می شود، در فاصله دو هزار کیلومتری مسکو، در جمهوری داغستان مبارزه شدیدی بر سر این مقام گسترش یافته است. پژواک این مبارزه را می توان در گزارش های اداره سازمان فدرال امنیت در داغستان تشخیص داد. طی سه ماه اخیر در این جمهوری هفت انفجار در راه آهن رخ داده است که مین های کارگذاری شده ولی کشف و خنثی شده به حساب نمی آید. دمیتری مدودف به رشید نورگالیف وزیر کشور دستور داد مبارزه با شبه نظامیان را شدت بخشد. ولی مردم داغستان یقین دارند که «جنگ ریلی» نتیجه نه فعال شدن «برادران جنگلی» بلکه انتخابات است. یک مسئول نیروی انتظامی داغستان به ما گفت: قاعدتاً مین ضعیفی زیر ریل کار گذاشته می شود. این انفجارها خسارات سنگینی به بار نیاورده و معمولاً بدون تلفات انسانی برگزار می شوند. هدف این انفجارها ویرانی

نیست بلکه بی ثبات کردن اوضاع جمهوری است. این کارها بخشی از مبارزه انتخاباتی را تشکیل می دهند. بد نیست بعضی صحنه‌های این «مبارزه انتخاباتی» را مرور کنیم. در ژوئن سال ۲۰۰۹ عادلگیری محمدطاهروف وزیر کشور داغستان، که نامزد بالقوه مقام ریاست جمهوری داغستان بود، به قتل رسید. در ماه اکتبر انتخابات شهردار دربند برگزار شد که بایستی به «انتخاب کننده واقعی» در کرملین (رئیس جمهور روسیه) نشان دهد چه کسی اوضاع داغستان را کنترل می‌کند. به ظاهر شهردار قبلی که از حمایت محو علی‌یف رئیس جمهور داغستان برخوردار بود، برنده شد. ولی جنجال انتخاباتی نتیجه این انتخابات را خنثی کرد. یک سوم مراکز اخذ رأی افتتاح نشده بودند. شهر دربند مملو از دسته‌های مسلح مشکوک شده بود و آرای مردم به صورت بازاری به فروش گذاشته شده بود. حتی نمایندگان مجلس مردمی داغستان اعتراض کرده و از دادستان کل روسیه خواستند تکلیف «دسته‌های مسلح مسئولین دولتی» را روشن کند.

مدتی بعد دادگاه شهر دربند نتایج انتخابات شهردار را لغو کرد و دیوان عالی روسیه از این حکم حمایت نمود. دمیتری مدودف جدیداً اظهار داشت که «انتخابات مجدد در دربند برگزار خواهد شد» و بدین وسیله نشان داد که ادامه روند دادگاهی در این زمینه معنی ندارد. در حال حاضر فقط ولادیمیر چوروف رئیس کمیسیون مرکزی انتخابات روسیه است که از مشروعیت انتخابات دربند دفاع می‌کند ولی موضع‌گیری او بر اوضاع کشور و جمهوری

داغستان اثری نمی گذارد. در ماه نوامبر در حزب «روسیه واحد» یک جنجال سیاسی رخ داد. دستگاه مرکزی حزب از تأیید فهرست نامزدها که از ماخاچقلعه ارسال شده بود، خودداری کرده و فهرست خود را تدوین کرد. حزب «روسیه واحد» به دمیتری مدودف پنج نامزد معرفی کرد که شامل نه تنها محو علی یف رئیس جمهور فعلی بلکه محمد عبدالله یف دکتر حقوق و آشنای دیرینه دمیتری مدودف از زمان تدریس در دانشگاه سن پترزبورگ (وی در حال حاضر معاون رئیس دولت داغستان است)؛ محمد محمدوف سناتور سابق از منطقه سمولنسک و مشاور فعلی سرگئی میرونوف رئیس شورای فدراسیون روسیه؛ سید حسین محمدوف نماینده مجلس مردمی داغستان و رئیس اداره خزانه فدرال جمهوری داغستان؛ محمدسلام محمدوف نماینده مجلس مردمی و پسر محمدعلی محمدوف رئیس سابق جمهوری داغستان می باشد.

مجلس ملی داغستان هیچ یک از این افراد را به مسکو معرفی نکرده بود. حضور محمد عبدالله یف در این فهرست باعث نگرانی بعضی محافل سیاسی شد. این استاد دانشگاه سن پترزبورگ که نخبگان محلی او را نمی شناختند، ناگهان به مقام معاون رئیس دولت داغستان منصوب شد. همین امر کفایت کرد که او را مهم ترین رقیب محو علی یف محسوب کنند. ولی مقامات محلی تأکید می کنند که «شخص مبتدی در سیاست نمی تواند با منافع طایفه های محلی مقابله کند».

سید حسین محمودوف که از حمایت گروه نیرومند «گمرین» (قوم آوار) برخوردار است و محمد سلام محمودوف که بر گروه‌های دارگینی متکی می‌شود، از پشتیبانی سلیمان کریموف الیگارشی معروف داغستانی استفاده می‌کنند. در داغستان می‌گویند که کریموف با همه رقیبان محو علی‌یف روابط مستقیم یا غیرمستقیم برقرار کرده است. کرملین طی مدتی از خود کریموف خواهش می‌کرد که رئیس جمهور داغستان شود ولی کریموف این پیشنهاد را قبول نکرد و ترجیح داد با استفاده از دیگران با علی‌یف مبارزه کند. آنچه که باعث شک و تردید نمایندگان مجلس داغستان شد، این است که در فهرست پیشنهادی حزب «روسیه واحد» ۴ نفر به قوم آوار تعلق دارند و یک نفر به قوم دارگین. در جمهوری چندین قومی داغستان که از سیستم سهمیه‌بندی قومی مقامات برخوردار است، این امر می‌تواند منشأ تشنجات جدید محسوب شود.

نمایندگان مجلس مردمی داغستان بعد از دریافت فهرست پیشنهادی حزب «روسیه واحد» اعلام کردند که مسکو خودسرانه رفتار می‌کند. هیچ یک از شعبه‌های منطقه‌ای حزب «روسیه واحد» تا کنون به خود اجازه نداده است این طور اظهار نظر کند. الآن محو علی‌یف هم می‌گوید که «افرادی در مسکو هستند که اوضاع داغستان را بی‌ثبات می‌کنند». در این شرایط نمایندگان شورای کل حزب «روسیه واحد» با شتاب راهی ماخاچ‌قلعه شدند.

نمایندگان داغستانی بالاخره سازش کردند. یکی از آن‌ها گفت: «ما چاره‌ای نداشتیم زیرا آن‌ها از امکان انحلال مجلس هشدار دادند».

طبق قانون، مجلس مردمی داغستان باید شخص پیشنهادی رئیس جمهور روسیه را تأیید یا رد کند. در این جمهوری می‌گویند که قیمت یک رأی نماینده مجلس جمهوری در چنین مواقعی به یک میلیون دلار می‌رسد. اکثر نمایندگان مجلس، طرفداران محو‌علی‌یف هستند. ولی اگر دمیتری مدودف یک نفر دیگر را معرفی کند، ممکن است نمایندگان دودل شوند. در این صورت یک استدلال «وزین» لازم است تا آن‌ها تصمیم صحیحی بگیرند. پاداش مالی می‌تواند نقش این استدلال را ایفا کند. این نبردهای ماقبل انتخاباتی در شرایط گسترش دو گرایش نگران‌کننده رخ می‌دهد یعنی مبارزه بی‌نتیجه مقامات رسمی با نیروهای افراطی و افزایش حضور نیروهای انتظامی در جمهوری. با وجود گزارش‌های سازمان‌های مربوطه درباره مبارزه با موفقیت آن‌ها با وهابیون (بعد از پایان هر عملیات مسلحانه از نابود کردن «یکی از رؤسای دسته‌های مسلح غیرقانونی» خبر می‌دهند)، تعداد اعمال تروریستی و حملات به افراد پلیس کاهش نمی‌یابد. به عنوان مثال می‌توان به عمل تروریستی اخیر در پایگاه پلیس راه داغستان اشاره کرد که تنها به صورت تصادفی از اجرای کامل آن جلوگیری به عمل آمد.

مسکو، هم‌زمان واحدهای نظامی جدید را به داغستان منتقل می‌کند. طی ۵ ماه اخیر نیروهای فدرال در این جمهوری به میزان ۱۵۰۰ نفر افزایش یافته و این روند همچنان ادامه دارد. نمایندگان نهادهای انتظامی محلی

احتمال می‌دهند که، مسکو در سراسر جمهوری رژیم عملیات ضد تروریستی اعلام کند. ساختارهای وزارت کشور جمهوری هم تابع مسکو هستند و هم مقامات داغستان. افزایش تدریجی نیروی انتظامی در داغستان نشان می‌دهد که مرکز فدرال در این جمهوری به نیروهایی احتیاج دارد که مستقیماً تابع مسکو بوده و به مقامات محلی وابسته نباشند.

نویسنده: ایرینا گوردینکو

منبع: روزنامه «نوایا گازتا»، ۱۱ ژانویه ۲۰۰۹

بازگشت تروریسم سیاسی به روسیه

دیروز دیوان عالی روسیه منع فعالیت سازمان بین المللی «انجمن ملی سوسیالیستی» را اعلام کرده و این سازمان را افراطی دانست. دادستانی کل روسیه بر صدور این حکم دادگاه تأکید کرده بود زیرا بزودی محاکمه چند عضو «انجمن ملی سوسیالیستی» به اتهام قتل افراد به دلایل قومی شروع خواهند شد. در عین حال مرکز اطلاعاتی - تحلیلی «سووا» در گزارش سالانه جدید خود به کاهش معین زورگویی نژادی در روسیه اشاره کرد. از سوی دیگر، نتیجه‌گیری ترسناک دیگری به عمل آمده است و آن این است که نیروهای افراطی راست به ترور شخصیت‌های اجتماعی و نهادهای دولتی پرداخته‌اند. این نتیجه آن است که دولت در سال‌های اخیر افراطیون را تحت پیگرد فعال قرار داده و سازمان‌های ضد فاشیستی و حقوق بشر تبلیغات آن‌ها را افشا می‌کردند.

در گزارش مرکز «سووا» آمده است: «ابعاد فعالیت تروریستی نیروهای افراطی راست به حدی رسیده است که دولت هم به وجود این خطر اذعان کرد. در یادداشت اطلاعاتی «کمیته ملی ضد تروریستی» که ۱۱ مارس سال ۲۰۰۹ منتشر شد، این خطر به عنوان خطر دوم بعد از فعالیت تروریستی در شمال قفقاز ذکر شد». مرکز مذکور معتقد است که روسیه شاهد موج

واقعی ترور سیاسی می‌شود که مؤسسات دولتی، ادارات پلیس، کمیسریاهای نظامی و منازل افراد نیروی انتظامی هدف آن قرار گرفته‌اند. تحلیلگران مرکز «سووا» بر این عقیده هستند که نیروهای افراطی راست که قبلاً به دولت توجه نمی‌کردند و حتی روی حمایت و همکاری با دولت حساب می‌کردند، به تدریج دولت را به عنوان مهم‌ترین دشمن خود شناخته‌اند.

این گزارش دربرگیرنده اظهارات نمایندگان مقامات رسمی علیه خارجیان هم است. این اظهارات عمدتاً در حق مهاجران بوده و شدت این اظهارات با آغاز بحران مالی و اقتصادی در روسیه افزایش یافت. نویسندگان گزارش معتقدند که این بیانات مبنای محکم ایدئولوژیکی ندارد بلکه نتیجه بی‌کفایتی حرفه‌ای و ندانم‌کاری بعضی مقامات است. آن‌ها به آلکساندر باستریکین رئیس کمیته بازجویی وابسته به دادستانی کل روسیه اشاره خاصی کردند. در مصاحبه بهار سال گذشته وی رویدادهای جداگانه با اتباع خارجی در خاک روسیه به عنوان تصویر «کامل و جامع بزه کاری مهاجران» معرفی شد. در گزارش مذکور آمده است که از نیمه دوم سال ۲۰۰۹ نمایندگان نهادهای انتظامی در بیان اندیشه‌های خود خویشتن‌داری بیشتری به خرج دادند. نیروهای افراطی راست نیز از طرح علنی مطالب نژادپرستانی خودداری می‌کنند. آن‌ها از مردم به شیوه سالم زندگی دعوت می‌کنند و بدین وسیله خود را با جریان‌های رسمی اجتماعی تطبیق می‌دهند.

تحلیلگران همچنین به اظهارات ملی‌گرایانه حزب کمونیست، حزب لیبرال دمکرات ژیرینوفسکی، حزب «روسیه عدالت‌طلب» و حتی حزب حاکم (به خصوص جناح جوان آن) اشاره کردند. «آلکساندر برود» عضو تالار اجتماعی و مدیر دفتر حقوق بشر مسکو صحت نتیجه‌گیری‌های تحلیلی گزارش مرکز «سوا» را تأیید کرد و گفت که سازمان او هم به کاهش زورگویی نژادپرستانه توجه کرده است. برود معتقد است که اقدامات شدیدتر و مؤثرتر نهادهای انتظامی به ثمر نشست است. وی گفت که رشد فعالیت تروریستی افراطیون، امر طبیعی است. مقامات رسمی این گروه‌ها را به عنوان خطر تلقی کرده و با قاطعیت بیشتری با آنها برخورد می‌کنند. همین امر واکنش شدید افراطیون را تحریک می‌کند. نیروهای افراطی راست که نمی‌توانند در فضای سیاسی کشور مشروعیت پیدا کنند، بیش از پیش به مخفی‌کاری دست زده و به روش‌های مبارزه سیاسی نیروهای غیرقانونی متوسل می‌شوند.

نویسنده : ایوان رودین

منبع : روزنامه «نزاویسیمایا گازتا»، ۳ فوریه ۲۰۱۰

تروریست ها و انتخابات داغستان

تاخیر در پخش برنامه های مربوط به سال نو را می توان بیشتر مرتبط با گزارش های درگیری های شبه نظامیان در داغستان دانست، تا سرپال همیشگی " اوکراین علیه گازپروم ". همه چیز با شادی آغاز شد. در اولین اخبار پخش شده در تلویزیون، مسئولان اداره مبارزه با تروریسم داخلی در جمهوری داغستان گزارش دادند که، در شب سال نو در " خاساوورت " فرمانده جبهه داغستان، "اومالات ماگامدوف" را همراه با سه تن از همکاران وی دستگیر کردند. در زمان بازرسی از وی اسنادی کشف گردید که مبین این موضوع بود که " ماگامدوف " مسئولیت تامین مالی شبه نظامیان را در خاک داغستان برعهده داشت. مبلغ مورد نظر در این حمایت مالی چشم گیر بوده و منابع تامین آن از سوی عربستان سعودی، ترکیه، گرجستان و آذربایجان اعلام شده است. کاملا مشخص شد که اقدام رئیس جمهور داغستان " موخو علی اف " ظرف یک هفته تا این حادثه در راستای تشویق پرسنل اداره فدرال امنیت بیهوده نبوده است. اما مثلی است که می گوید هر جور سال نو را آغاز کنی، تا پایان حوادث همانطور رقم خواهند خورد. (سالی که نکوست از بهارش پیداست). کمتر از یک هفته در نزدیکی ماخاچکالا، در بخش " نیوا"، انفجاری رخ داد که در آن از مواد منفجره در

توپخانه‌ها استفاده شده بود، که هدف آن منهدم کردن منطقه مربوط به کنترل جاده ای می شد، جایی که در همین زمان طرح ویژه تردد خودروها جریان داشت. در جریان حمله تروریست‌ها شش نفر کشته و ۲۴ نفر مجروح شدند. با در نظر گرفتن این موارد، پیروان وهابیت ارگانهای قانونی را با توسل به حيله ای بچه گانه محک زدند. دو ساعت قبل از حمله، آنها نارنجک‌هائی را در حیاط منزل مشاور وزیر منابع طبیعی و محیط زیست داغستان پرتاب کردند. تنها یکی از این نارنجک‌ها منفجر شد، و به کسی آسیبی نرسید. و در حالی که ارگانهای امنیتی در تلاش بودند تا اعلام بدارند که کشتن یک مقام دون پایه که شش ماه پیش به مرخصی رفته است، چه ضرورتی دارد، "نیوا" همراه با شبه نظامیان، بدون هرگونه مانعی در کنترل بخش پلیس جاده قرار گرفت. قربانیان انفجار می توانستند بیشتر باشد، اگر نیروهای پلیس اقدامات لازم را به موقع انجام نمی دادند. اتفاق عجیب دیگر در شب تولد مسیح این بود که پس از چند ساعت، مسئولان مبارزه با تروریسم داخلی توانستند ماده منفجره قوی را که تروریست‌ها در مسیرهای قطار در ماخاچکالا کار گذاشته بودند، پیدا و خنثی کنند. چنین اقدام گستاخانه ای را از شبه نظامیان در داغستان، در مرکز فدرال انتظار نداشتند. رئیس جمهور دمیتری مدودف، از رئیس اداره فدرال، الکساندر بارتنیکوف، خواست تا کنترل موقعیت در قفقاز شمالی تشدید شود و نواحی که احتمال انفجار در آنها در ماخاچکالا می رود، با دقت بررسی شود. تنها یک روز لازم بود تا اداره فدرال وضعیت را متحول کند. ۸ ژانویه، "بارتنیکوف" به مدودف

گزارش داد که همکاران وی دو شبه نظامی را که در انفجاری در ماخاچکالا حضور داشتند، از بین بردند. این دو ستیزه گر به نامهای " ایچیکایف " و " کازالیف " اعضای باندی بودند که در سال نو " اومالات ماگامدوف " را کشته بودند. بنا به گفته های " بارتیکوف "، که اظهار داشت: " در ارتباط با این باند، زمان بسیاری است که ما کار می کنیم و اسامی تمامی اعضای این گروهک تروریستی را می توانیم ارائه کنیم. " البته این پرسش باقی است که در صورت چنین آگاهی آزادکردن این گروهک کمی زودتر مساله ساز خواهد بود، برای اینکه در انفجاری که در جریان جستجوی " ایچیکایف " و " کازالیف " رخ داد، تنها چند ساعت وقت نیاز بود. اما در نتایج گفتگو با رئیس جمهور، رئیس اداره امنیت فدرال مورد تشویق قرار گرفت.

" در آنچه مربوط به گروهک های تروریستی می شود، سیاست ما مثل سابق می باشد، که باید آنها را از بین برد و این کار را باید با جدیت و سیستماتیک انجام داد و این اقدامات باید بطور منظم صورت بگیرد، برای اینکه متأسفانه گروهک های تروریستی هنوز وجود دارند. " - این سخنان را مدودف به رئیس اداره امنیت فدرال اظهار داشت. در واقع، اداره امنیت فدرال مجوز اختیارات کامل را برای اقدامات قدرتمندانه در راستای از بین بردن گروهک های تروریستی در داغستان و بطور کلی در قفقاز شمالی دریافت کرد.

زمانی که "بارتیکوف" در حال ارائه گزارش بود، دیگر مسئول قدرتمند اداره فدرال، "نورگالیف" نیز برای بررسی اوضاع به ماخاچکالا فرستاده می‌شود. و ستیزه‌گران و شبه نظامیان همچنان بازبگران اصلی این منطقه بودند. و زمانی که "نورگالیف" در حال تشویق نیروهای باقی مانده از درگیری با شبه نظامیان و بزرگداشت قربانیان درگیری‌ها بود، در مرکز ماخاچکالا دو شخص ناشناس یک افسر پلیس را مورد اصابت گلوله قرار دادند. واکنش کاملاً ساده و مشخص بود: مسکوئی‌ها می‌روند - پیروان وهابیت باقی می‌مانند. باید خاطرنشان کرد که، اخبار مرتبط با حوادث در ماخاچکالا در جامعه بین الملل نیز تاثیرات خود را داشت. جایگاه روسیه بار دیگر در عرصه بین الملل زیر سوال رفت. و موقعیت در داغستان سوژه‌ای برای تمامی رسانه‌های گروهی در سرتاسر جهان گردید.

کنجکاوانه، اکثر ژورنالیست‌ها در مطالب خود به ارتباط بین حوادث خونین ماه ژانویه و انتخابات آتی اشاره داشتند که در آن از سوی دمیتری مدودف می‌بایست کاندیدای پست ریاست جمهوری در داغستان معرفی شود. بنا به نظر کارشناسان سیاسی، "پیروان وهابیت فعالانه در پروسه تأیید کاندیدا برای پست ریاست جمهوری داغستان، که به عنوان منطقه‌ای کلیدی برای تشکیل "امارت قفقاز" بدان نگریسته می‌شود، حضور دارند. بنابراین برای آنها این امر بطور استثناء دارای اهمیت می‌باشد، برای اینکه شخصی نزدیک به قدرت کنترل امور را در دست بگیرد یا حداقل سیاستمداری که آنها بتوانند مناسبات غیررسمی با وی داشته باشند. کارشناس سیاسی "

آرباهان ماگامدوف"، شخصی که از سوی روزنامه تاثیرگذار آلمانی " فرانکفورت آلگمینه" مورد انتقاد قرار گرفته است، افزایش فشار در داغستان را با مبارزه بر سر قدرت قبل از تصمیم گیری در خصوص اینکه چه کسی رئیس جمهور این بخش خواهد شد، مرتبط می داند. مدت ریاست جمهوری رئیس جمهوری فعلی در ماه فوریه به پایان می رسد و هیچ نشانه موثقی دال بر اینکه ایشان همچنان از سوی کرمین در پست خود باقی خواهد ماند وجود ندارد. مطابق با گفته های " ماگامدوف"، قبایل مختلف که خود را از طبقه نخبه معرفی می کنند، این اواخر بر فعالیت خود افزوده و در پروسه انتقال قدرت در داغستان خود را سهیم می دانند. احراز پست های مهم در هیئت دولت دربرگیرنده امتیازات مالی زیادی خواهد بود، به همین دلیل برای نمایندگان این قبایل و اقوام ثابت کردن عدم توانائی رئیس جمهور فعلی در اداره امور کشور مهم به نظر می رسد. با این دیدگاه، بی اعتبار کردن رئیس جمهور فعلی در مطبوعات بسیار واضح به نظر می رسد. سیاست سرسخت ایشان حرکت وهابیت را که از سوی دولت های خارجی کمک مالی می شود، تضعیف خواهد کرد. با این وجود اتفاقات ده روز اخیر می تواند باری دیگر تاکیدی بر اقدامات وی ظرف ۴ سال گذشته باشد که در راستای جلوگیری از افراطی گری برداشته شده است.

از طرفی دیگر، کرمین می تواند کاندیدائی را معرفی کند که به پشتیبانی قومی و روابط اقتصادی، ثبات را در منطقه برقرار سازد. چنین کاندیداهائی

با توجه مطالب انتشار یافته در رسانه های گروهی می توانند " محمد سلام محمد" پسر رئیس جمهور سابق داغستان یا " سیدحسین محمدف" باشد که زمانی رئیس خزانه داری داغستان بود. هر دو کاندید از پشتوانه قومی و قبیله ای برخوردار هستند و بسیاری از اشخاص که در سمت های مختلف در جمهوری داغستان مشغول به فعالیت هستند، از قبایل این افراد می باشند. در صورت به قدرت رسیدن یکی از این دو کاندیدا، می توان انتظار کاهش فعالیت پیروان وهابیت را به دلیل " توافقات غیررسمی" داشت. و مهمتر اینکه، حوادث اتفاق افتاده در ناحیه " دربند" به سیاستمداران داغستانی نشان داد که، اقدامات اعتراضی طراحی شده، می تواند از قوه اجرائیه بیشتری در قیاس با انفجار بمب و غیره برخوردار باشد، زمانی که صحبت در خصوص بازی سیاسی با مرکز فدرال می باشد. در هر صورت، هفته اول سال ۲۰۱۰ بر خلاف بسیاری از پیش بینی ها از سوی کارشناسان سیاسی طی شد. و در حال حاضر کرمیلین نه تنها باید شخص وفادار به خود را برای پست ریاست جمهوری داغستان انتخاب کند، بلکه باید مشخص نماید، کدام سیاست را در قفقاز شمالی در آینده ای نزدیک با وهابیزم روبه رشد اتخاذ خواهد کرد؟ " مصالحه" یا " مبارزه"

نویسنده: سلیمان احمدوف ۸ ژانویه ۲۰۱۰

تامین امنیت داغستان

دیروز، دمیتری مدودف رئیس جمهور فدراسیون روسیه در کرملین محو علی‌یف رئیس جمهوری داغستان را به حضور پذیرفت و - طبق گزارش رسمی - با وی درباره اوضاع اجتماعی و اقتصادی جمهوری و مسایل تأمین امنیت و مبارزه با بزه‌کاری گفتگو کرد. لازم به یادآوری است که در ماه فوریه دوره ریاست جمهوری علی‌یف در داغستان به پایان می‌رسد. وی در میان پنج نامزد انتصاب به این مقام از طرف حزب «روسیه واحد» به رئیس جمهور روسیه معرفی شد. منابعی در کرملین به «گازتا» گفتند که «رئیس جمهور در جریان این ملاقات از ارزیابی مشخص فعالیت علی‌یف در داغستان خودداری کرد. تصمیم نهایی رئیس جمهور درباره نامزد مقام ریاست جمهوری داغستان به معنی ارزیابی فعالیت علی‌یف خواهد بود. اوضاع داغستان در هر حال باید کنترل شود و این ملاقات با رئیس فعلی منطقه ضروری بود».

طبق اطلاعاتی که ما از دفتر ریاست جمهوری داغستان دریافت کردیم، تا کنون رقیبان علی‌یف نیز در کرملین ملاقات‌هایی داشتند. لذا اطرافیان علی‌یف امیدوارند که ملاقات دیروزی و مکث معین مسکو در زمان اخیر

ب‌تواند به نفع علی‌یف تعبیر شود. کارشناسان این انتخاب مسکو را در شرایط تشدید اوضاع داغستان امر معقولانه‌ای محسوب می‌کنند. آلکسی موخین مدیر کل مرکز اطلاعات سیاسی به «گازتا» گفت: «در حقیقت امر، اعمال تروریستی در جمهوری و فعالگرایی شبه نظامیان نتیجه معکوسی داده است. کرملین زیر بار این تحریکات نرفته و با اتخاذ اقدامات شدید طی مدت نسبتاً کوتاهی در این جمهوری نظم نسبی برقرار کرده و از رئیس فعلی جمهوری حمایت کرده است». حاجی مراد کمالوف کارشناس سیاسی داغستانی معتقد است که ملاقات مدودف با علی‌یف بدان معناست که کرملین همین شخص را برای انتصاب مجدد انتخاب کرده است. نامزدهای بالقوه دیگر نتوانسته‌اند «بینش ریاست جمهوری» را به مسکو نشان دهند. نقطه نظر دیگری توسط آلکسی ماکارکین، کارشناس علوم سیاسی، بیان شد. او معتقد است که این ملاقات در کرملین با تشدید فعالیت افراطیون در داغستان ارتباط دارد و نباید به عنوان معرفی حتمی علی‌یف برای ریاست داغستان تلقی شود.

نویسنده: آناستاسیا نویکوا

منبع: روزنامه «گازتا»، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰

داکو عمروف ، به عنوان دشمن درجه یک روسیه

زندگی نامه

داکو عمروف در تاریخ ۱۳ آوریل سال ۱۹۶۴ در دهکده خارسنوی منطقه شاتویسکی چچن به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در رشته "ساختمان" به پایان رساند. در اولین عملیات جنگی چچن ، در مورد فعالیت عمروف ، اطلاعات زیادی در دست نیست. ظاهراً ، او با دختر هم قطار نزدیک خود (داود احمدووف، فرمانده صحرائی بانفوذ) جوهره دودایوا ازدواج کرد و شش فرزند دارد. پس از مرگ احمدووف، فرماندهی رسته به داماد تفویض شد. در این سال ها ، عمروف ، فرماندهی گردان ویژه "بورز" - که متعاقباً به هنگ تبدیل شد - را به عهده داشت. مقام فرماندهی تیپ نیروهای مسلح ایچکریا را نیز داراست. در سال ۱۹۹۷ ، داکو عمروف به عنوان رئیس شورای امنیت جمهوری ایچکریای چچن منصوب شد و تا سال ۲۰۰۵ - تا زمان پذیرش او به سمت معاون رئیس جمهور جمهوری ایچکریای چچن - در این سمت باقی ماند. هم زمان ، رئیس اداره امنیت ملی جمهوری ایچکریای چچن شد. در جریان عملیات جنگی ، دو برادر داکو عمروف - موسی و عیسی - کشته شدند. بسیاری از اقوام و نزدیکان عمروف ، به گروگان گرفته شدند. بر اساس برخی اطلاعات ، افراد رئیس

جمهور فعلی چچن - رمضان قدیروف - در این گروگانگیری دست داشته اند.

خود عمروف ، بر اساس اطلاعات سرویس های ویژه ، در سوء قصد به جان افراد در چچن در سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۶ دست داشته است. او را به عنوان عامل اصلی برخی از انفجارهای بزرگ در جنوب روسیه - از جمله انفجار قطار برقی در کاومینود در سال ۲۰۰۳ - می دانند. در ماه های اخیر، در سایت های جدائی طلبان چچن، اعترافاتی از جانب وی منتشر شده مبنی بر این امر که تقریباً " در کلیه انفجارهای صورت گرفته در قلمرو روسیه ، دست داشته است. با این حال ، بازپرسان بعید نمی دانند که عمروف در سوء قصد به جان رئیس جمهور اینگوستی - یونس بیک یفکوروف - در ژانویه سال ۲۰۰۹ نیز دست داشته است. چندین پرونده جنائی علیه عمروف اقامه شده است. مؤلف **Der Standard** - ورنه دیتخلم می نویسد که ف. از. ب. ، یک میلیون دلار امریکا برای سر داکو عمروف ، تعیین کرده است. این شخص ۴۵ ساله که خود را "امیر امیرنشین قفقاز" نامیده، در روسیه، دشمن شماره یک قلمداد می گردد. مؤلف می نویسد: "این افراطی گر اسلامی ، که حکم جهاد با روسیه اعلام کرده ، اجرای یک سری انفجارهای خونین را پشت سر گذاشته است. عمروف ، اینک مسئولیت دو انفجار در مترو را به عهده گرفته و وقوع انفجارهای جدیدی را نیز تهدید کرده است. سرویس های ویژه روسیه ، به کرات از کشته شدن رهبر تبهکاران خبر داده اند، اما عمروف همیشه موفق

شد تا در مناطق کوهستانی قفقاز مخفی شود. او، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، "خط مشی مخالفت با روسیه" را آغاز کرد. در جریان دو جنگ چچن، در ردیف اول جبهه، جنگ کرد و در نتیجه به عنوان معاون رئیس جمهور "جمهوری ایچرک چچن" منصوب شد. ظرف سال های مبارزه برای استقلال، او دو برادر و پدر خود را که توسط افراد رئیس جمهور چچن - رمضان قدیروف - ربوده شده بود، از دست داد. در سال ۲۰۰۷، عمروف خود را "امیر امارات قفقاز" (امیر امیرنشین قفقاز) نامید. آن گونه که روزنامه نگار در پایان خاطرنشان می سازد، کارشناسان روسی در امور قفقاز تردید دارند این شخص که لقب امیر را برای خود انتخاب کرده از تأثیر زیادی بر روی جدائی طلبان برخوردار باشد. پس از عملیات ویژه روسیه، تبهکاران از بین رفتند، اما طایفه های مختلف در پی منافع متفاوت خود می باشند.

منابع :

http://voila.imtw.ru/?page_id=۴۹۳

Der Standard

<http://www.inopressa.ru/article/۰۲Apr۲۰۱۰/standard/umarov۳.html>

فصل سوم: اقتصاد

اوضاع اقتصادی داغستان

چکیده

در حالی که داغستان منتظر پیشنهادهای دمیتری مدودف رئیس جمهور فدراسیون روسیه درباره انتصاب رئیس جدید این جمهوری است، محو علی‌یف رئیس جمهور فعلی، به سئوالات خبرنگار روزنامه «ورمیا نووستی» پاسخ داد.

وی ضمن اشاره به فعال شدن مخالفان سیاسی در ماه‌های اخیر، تأکید کرد که مخالفان باید برنامه جایگزین توسعه جمهوری را داشته باشند که ندارند. در حالی که تنها بخشی از داغستانی‌های ثروتمند در توسعه امور اجتماعی و فرهنگی جمهوری شرکت می‌کنند ولی دیگران فقط سعی می‌کنند اوضاع جمهوری را بی‌ثبات بکنند. به عقیده علی‌یف در این مبارزه سیاسی از خرید مطبوعات، رشوه دادن به کارمندان دولت و پخش شایعات ترسناک استفاده می‌شود. به گفته وی، جنجال پیرامون انتخابات شهردار دربند در مسکو بر پا شده بود. به گفته محو علی‌یف، در جریان بحران اقتصادی

عمدتاً واحدهای تولیدی و شرکت‌های حمل و نقل آسیب دیدند که با بازار عمومی روسیه ارتباط داشتند. ولی شرکت‌هایی که برای بازار داخلی داغستان کار می‌کنند، تأثیر بحران را احساس نکردند. در هر حال، افت تولید چندان شدید نبود. میزان ساخت مسکن برابر ۹۵۰ هزار متر مربع است که با سال ۲۰۰۸ تفاوتی ندارد و از سال ۲۰۰۵ به میزان ۱.۵ برابر بیشتر است. طی چهار سال اخیر رشد درآمدهای مردم دو برابر شده است، تولید ناخالص جمهوری ۱.۷ برابر، تولید صنعتی ۱.۷ برابر و بخش کشاورزی ۱.۲ برابر. کار زیادی در زمینه ساختمان راه‌ها و گازرسانی انجام شده است. به گفته علی‌یف، این جمهوری سریع‌تر از سایر جمهوری‌های حوزه فدرال جنوبی توسعه می‌یابد ولی سطح سرانه توسعه هنوز از میانگین کشور پایین‌تر است. در برنامه توسعه داغستان تا سال ۲۰۲۰ که جدیداً طراحی شد، افزایش میزان تولیدات صنعتی در تولید ناخالص جمهوری تا ۲۰٪ و رشد ۱۲ برابری تولید نسبت به سال ۲۰۰۶ پیشبینی شده است. البته در سال ۲۰۱۰، ۶۵٪ درآمدهای بودجه جمهوری از مرکز فدرال دریافت خواهد شد.

یکی از راه‌های کاهش دریافت یارانه‌های مرکزی، توسعه فرآوری سبزیجات در داخل جمهوری است (در داغستان بیش از ۹۰۰ هزار تن سبزیجات تولید می‌شود که از همه مناطق روسیه بیشتر است). در این راستا کارخانه کنسرو سازی با سرمایه خصوصی و دولت ساخته شده و قرار است واحدهای صنعتی

برای تبدیل گوشت و شیر نیز ساخته شود. با توجه به نرخ طبیعی زاد و ولد در جمهوری، هر سال ۳۰-۲۵ هزار فرصت جدید شغلی باید ایجاد شود تا مسأله بیکاری حل شود. در سال ۲۰۰۹ فقط ۱۳ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شده است که نصف این تعداد از طریق کمک دولت به شرکت‌های کوچک خصوصی تأمین شده است. میزان بیکاری در این جمهوری به تدریج کاهش می‌یابد. در سال ۲۰۰۵ برابر ۲۲.۳٪ جمعیت مستعد به مرابود و در حال حاضر برابر ۱۳.۶٪ است.

رئیس جمهوری داغستان در میان مسایل اساسی این جمهوری به سایه‌ای بودن بخش عمده اقتصاد داخلی اشاره و اعتراف کرد که برای رفع این مشکل کار کافی انجام نمی‌گیرد. وی در پاسخ به سؤال خبرنگار درباره «خطر گسترش اصولگرایی اسلامی»، گفت که در سال ۲۰۰۹ تعداد حملات به افراد پلیس بیشتر از سال‌های گشته بود و در ماه ژوئن عادلگیری محمد طاهروف وزیر کشور داغستان به قتل رسید. همچنین سوء قصد به جای نمایندگان روحانیت جمهوری به عمل آمد. ولی علی‌یف تأکید کرد که اگر تعداد جنایات به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت در نظر گرفته شود، اوضاع داغستان از مناطق دیگر بهتر است. وی از جمله گفت: «ما بارها به پیروان اسلام غیر سنتی گفته‌ایم که شما می‌توانید به رسم خود نماز بخوانید و فرایض دینی را ادا کنید ولی نباید اسلحه در دست بگیرید. آن‌هایی که به جنگل‌ها می‌روند، دنبال دین نمی‌روند بلکه سفارش پولی اجرا می‌کنند. چندی پیش یک «قاضی شرعی» کشته شد که در منزل او نامه‌های حاوی

تهدیدات در حق مسئولین جمهوری و تجار کشف شد. معلوم است که او قاضی نیست بلکه مجرم است... دین نمی تواند به وسیله اسلحه به کسی تحمیل شود. کسانی که بهانه گرفتند که به خاطر مخالفت با فساد مالی مسلح می شوند، بدتر از کارمندان فاسد هستند زیرا جامعه داغستان را نابود می کنند». وی در خاتمه گفت: جمهوری داغستان مرحله حساس زندگی خود را طی می کند زیرا فساد مالی، طایفه گرایی و جنایتکاری باعث تغییرات در اذهان مردم جمهوری شده است. هدف فعلی دولت، دفاع از دستاوردهای جمهوری و سرکوب کردن مخالفان افراطی قدرت دولتی است.

نویسنده : ایوان سوخوف

منبع : روزنامه «ورمیا نووستی»، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۹

راهکار مساله شمال قفقاز

تشکیل حوزه ویژه فدرال شمال قفقاز و انتصاب آلکساندر خلوپونین استاندار سابق کراسنویارسک به مقام نماینده تام الاختیار رئیس جمهور روسیه در این حوزه فدرال، باعث تفسیرهای زیادی شده است. ولی بعضی نکات مهم از «میدان تفسیر» خارج مانده است. یکی از پیشبینی‌های نگران کننده این است که با تشکیل این حوزه فدرال گام نخست در جهت جدا کردن شمال قفقاز از روسیه برداشته شده است زیرا مرزهای آن با مرزهای به اصطلاح «امارت شمال قفقاز» که توسط شبه نظامیان اعلام شده است، مطابقت دارد. ولی بعید است که مقامات روسیه تا آن حد دور رفته باشند. به احتمال قوی، مسکو با انتصاب آلکساندر خلوپونین، شخصی که از استعدادهای معروف مدیریتی برخوردار است و با محافل کاری روابط گسترده دارد، سعی کرده باشد مسایل منطقه را به صورت اقتصادی حل کند و از طریق اقتصاد همگرایی این منطقه با مابقی روسیه را تأمین کند. این یک نمونه دیگر صحت آن ادعاست که مقامات روسیه سعی می‌کنند همه مسایل خود را به وسیله پول حل کنند.

همه می‌دانند که فقر و بیکاری زمینه‌ساز گسترش افراط‌گرایی هستند و اینکه قطب‌بندی اجتماعی موجبات تشدید مناقشات را فراهم می‌کند. ولی

سؤال این است که با چه شیوه‌ای باید بی‌کفایتی مالی و اقتصادی جمهوری‌های شمال قفقاز را برطرف کرد؟ از طریق تأمین مالی بیشتر از بودجه فدرال؟ ولی در سال‌های گذشته یارانه‌های مرکزی مرتباً در حال رشد بوده ولی اوضاع منطقه تغییر نکرده است. پاسخ عادی این است که پول بودجه به سرقت می‌رفت. ولی این پاسخ رضایت‌بخش نیست. بعید است که میلیاردها روبل به همین سادگی به جیب گردانندگان امور ریخته شده باشد. بالاخره نباید از تعمیر شدن مدارس و مساجد، ساخت مسکن و حتی کارخانه‌ها چشم پوشید. ممکن است کمک‌های مالی بودجه به صورت غیر موثر مورد استفاده قرار گرفته باشد ولی این فقط مشکل شمال قفقاز نیست. مسأله این است که ورود پول زیاد به اقتصاد می‌تواند باعث فعال شدن اقتصاد شود ولی در عین حال می‌تواند جلوی رشد اقتصادی را بگیرد. ورود پول بی‌دلیل و کار نکرده، به اقتصاد منطقه ضربه محکمی می‌زند: فعالیت اقتصادی بی‌معنی می‌شود زیرا دریافت پول از بودجه راحت‌تر است تا کار تولیدی. معلوم است که از این طریق به‌روزی همگانی تأمین نمی‌شود زیرا همه به پول بودجه دسترسی ندارند. این امر موجب نابرابری اجتماعی می‌شود که در قفقاز که هنوز یاد زندگی دسته‌جمعی و برابر حقوقی همه اعضای جمعیت محلی را حفظ کرده است، امری بسیار حساس و ناراحت‌کننده می‌باشد. ولی هیچ فرصتی برای اصلاح این وضع وجود ندارد چرا که ابتکار اقتصادی می‌تواند فقط در چارچوب طرح‌های بودجه تحقق یابد. ظاهراً

آلکساندر خلوپونین باید این مسأله را حل کند. به جای اینکه از بودجه اعتبارات بیشتری دریافت کند، باید به جمهوری‌های شمال قفقاز یاد بدهد که به صورت مستقل کار کنند و از یارانه‌های مرکزی بی‌نیاز شوند. ولی با توجه به اینکه این منطقه منابع ارزنده طبیعی ندارد و نفت آن بسیار کم است، روش‌هایی که او در منطقه کراسنویارسک تجربه کرده بود، در شمال قفقاز به درد نمی‌خورد. او باید در ایجاد شرکت‌های کوچک تولیدی تمرکز خاطر بکند در حالی که بیشتر به فعالیت در بورس و در سطح بالای اقتصادی عادت دارد. بنا بر این، آلکساندر خلوپونین با چالش جدی روبرو شده است. ولی به نظر ما، کافی نیست که مسایل اقتصادی حل شوند. مشکل اساسی قفقاز، مشکل ایدئولوژی است. دولت روسیه در این زمینه از دست مبلغین تحصیل نکرده محلی شکست می‌خورد. راهبردی که انتخاب شده است، استفاده از تبلیغات اسلامی برای مبارزه با افراط اسلامی است. برای اینکه «اسلام ما» از «اسلام دشمن» شکست نخورد، باید به اصولگرایی روی آورد. تبلیغات دینی در رسانه‌های گروهی دولتی، آموزش دینی به حساب دولت و توسل به شیوه‌های گوناگون ترویج ایمان راستین در قلوب مردم از جمله نمونه‌های این سیاست هستند. عده‌ای حتی «در سطح کارشناسی» اظهار نظر می‌کنند که بهتر است که منتظر پیروزی القاعده در جهان نشویم و به تدریج احکام کامل شرعی را به مورد اجرا بگذاریم. به عبارت دیگر، پیشنهاد می‌کنند که آتش را با نفت سفید خاموش کنیم. ما نصف کار را انجام داده و مبانی اسلام را به مردم یاد خواهیم داد. کار آسانی

برای افراتیون باقی خواهد ماند و آن اعلام این است که اسلام رسمی درست نیست ولی اسلام فرقه آن‌ها درست است. ما در جبهه ایدئولوژیکی نه فقط عقب‌نشینی می‌کنیم بلکه فرار می‌کنیم و همه مهمات خود را در میدان نبرد برای طرف مقابل باقی می‌گذاریم.

سؤال این است که اگر شریعت اصولگرایانه به طور کامل معرفی شود، آیا همه از این وضع راضی خواهند شد؟ من با روحیات مردم چچن، هم‌ولایتی‌های خود آشنا هستم و می‌دانم که آن‌ها آرزوهای دیگری دارند. چچن‌های مسلمان نه افغانستان و عربستان سعودی بلکه امارات متحده عربی را ایده‌آل خود می‌دانند. آن‌ها می‌خواهند مطابق با دین خود زندگی کنند ولی در عین حال از همه حقوق و آزادی‌های مدنی و استقلال اقتصادی برخوردار باشند و از نعمات تمدن معاصر استفاده کنند. هیچ خانواده‌ای حاضر نیست به «عصر شترها» برگردد. آن‌ها دین خود، سنت‌های ملی به صورت تطبیق شده با زندگی امروزی و آزادی اقتصادی را می‌خواهند. این اسلام اروپایی آن‌هاست. این خواست واقعی مردم است. ولی «قدیمی‌سازی» زندگی اقتصادی و اجتماعی قطعاً با آرزوهای مردم مطابقت ندارد زیرا اکثر آن‌ها پشت بام خانه‌اشان بشقاب تلویزیونی دارند و فرزندان آن‌ها در دانشگاه‌های مسکو پزشکی و حقوق (آن هم نه حقوق شرعی بلکه حقوق عادی اروپایی) را یاد می‌گیرند. ولی روند قدیمی‌سازی از طرف مقامات رسمی و از سوی افراتیون تشویق می‌شود. بنا بر این، دولت مرکزی

باید برنامه عقیدتی فعالیت خود را در این منطقه درست تنظیم کند. نباید از کتاب‌های درسی «دمکراسی غربی» استفاده کند و نیز باید از سازش با افراطیون مذهبی دوری جوید. همگرایی این منطقه با روسیه و جهان و نه عزت آن باید به عنوان هدف غایی تلقی شود.

به نظر من، بهتر است که ولادیسلاو سورکوف (معاون اول رئیس دفتر ریاست جمهوری روسیه) نماینده تام‌الاختیار رئیس جمهور در شمال قفقاز شود. او با استعدادترین نظریه‌پرداز روسیه معاصر است. چالش ایدئولوژیکی برای او از چالش اقتصادی برای آلکساندر خلوپونین حتی شدیدتر است. باید در رویارویی مستقیم ایدئولوژیکی خطرناک‌ترین دشمنان نظام دولتی روسیه و دمکراسی ملی روسی را مغلوب کند. او از این طریق می‌توانست وظیفه خود را در برابر چچن که زادگاه او است، اجرا کند.

نویسنده : گرمان سعدالله‌یف

منبع : مجله «اوغونیوک»، ۱ فوریه ۲۰۱۰